



آموزش تاریخ در مدارس

چالش‌ها و راهکارها

به کوشش: جمشید روستا، رحیم روح‌بخش





انجمن ایرانی تاریخ
The Iranian
Society of History

آموزش تاریخ در مدارس: چالش‌ها و راهکارها
مجموعه مقالات چهارمین همایش
«آموزش تاریخ در مدارس»
کرمان، پنجم بهمن ماه ۱۳۹۶

جلد دوم

به کوشش:

دکتر جمشید روستا، رحیم روح‌بخش

برگزارکنندگان همایش:

انجمن ایرانی تاریخ با همکاری دانشگاه شهید باهنر کرمان (گروه تاریخ)



نگارستان اندیشه

تهران - ۱۳۹۸

سرشناسه: همایش آموزش تاریخ در مدارس (چهارمین: ۱۳۹۷: کرمان)
عنوان و نام پدیدآور: مجموعه مقالات چهارمین همایش «آموزش تاریخ در مدارس»: مجموعه مقالات
چهارمین همایش آموزش تاریخ در مدارس / به کوشش جمشید روستا، رحیم روحبخش؛ برگزارکنندگان
همایش انجمن ایرانی تاریخ با همکاری دانشگاه شهید باهنر کرمان (گروه تاریخ). تهران: انتشارات
نگارستان اندیشه: ۱۳۹۸. مشخصات ظاهری: ۲ ج.: مصور، جدول، نمودار.
شناسه افزوده: انجمن ایرانی تاریخ. دانشگاه شهید باهنر کرمان. ایران. وزارت آموزش و پرورش. اداره کل
آموزش و پرورش استان کرمان.

شابک: دوره: 3-06-6607-622-978 - ج ۱: 6-05-6607-622-978 - ج ۲: 0-07-6607-622-978

عنوان دیگر: آموزش تاریخ در مدارس: مجموعه مقالات چهارمین همایش.
یادداشت: با حمایت اداره کل آموزش و پرورش استان کرمان، انجمن ایرانی تاریخ شعبه کرمان، مرکز
منطقه‌ای اطلاع‌رسانی علوم و فناوری پایگاه استنادی علوم جهان اسلام، شرکت ملی صنایع مس ایران
(مس منطقه کرمان)، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی منطقه
جنوب شرق. کتابنامه.

مندرجات: ج. ۱. تاریخ آموزش در ایران کرمان، پنجم بهمن ماه ۱۳۹۶ - ج. ۲. آموزش تاریخ در مدارس،
چالش‌ها و راهکارها کرمان، پنجم بهمن ماه ۱۳۹۶.

موضوع: تاریخ -- راهنمای آموزشی (متوسطه) -- کنگره‌ها. Study and teaching History --
(Secondary) -- Congresses

شناسه افزوده: روستا، جمشید، ۱۳۶۱- گردآورنده. روحبخش، رحیم، ۱۳۴۵- گردآورنده.

رده‌بندی دیویی: ۹۰۷. رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۶ ۸ هـ الف ۱۶/۲ D شماره کتابشناسی ملی: ۵۶۳۳۷۱۰

آموزش تاریخ در مدارس: چالش‌ها و راهکارها

مجموعه مقالات چهارمین همایش

آموزش تاریخ در مدارس ایران

به کوشش: دکتر جمشید روستا، رحیم روحبخش

ویراستار: فریده حشمتی، کیمیا حشمتی

ناشر: نگارستان اندیشه

طراح جلد: سعید صحابی

چاپ: اول، ۱۳۹۸

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: نسیم

تمام حقوق برای انجمن ایرانی تاریخ و دانشگاه شهید باهنر کرمان، محفوظ است

نشانی ناشر: م. انقلاب، ابتدای خ آزادی، خ بهزاد، شماره ۲۹ واحد ۷

تلفکس: ۶۶۴۳۵۴۲۳ - ۶۶۴۴۵۴۱۶

www.cins.ir - info@cins.ir

شورای برنامه‌ریزی و کمیته‌های علمی، اجرایی و هیئت داوران چهارمین همایش آموزش تاریخ در مدارس

شورای برنامه‌ریزی همایش: (کارگروه آموزش و پرورش انجمن ایرانی تاریخ)
دبیر کارگروه: دکتر بهمن شعبان‌زاده

- آهنگری، فاطمه

- حشمتی، فریده

- روح‌بخش، رحیم

- صالحی‌نیا، پروانه

- فاضلی‌پور، طوبی

- هدایتی، اعظم

- همتی، طاهره

کمیته علمی:

دبیر کمیته علمی: دکتر جمشید روستا (دانشگاه شهید باهنر، کرمان)

- اسدپور، حمید (دانشگاه خلیج فارس، بوشهر)

- اسدی، مهدی (دانشگاه شهید باهنر، کرمان)

- بهرامی، روح‌الله (دانشگاه رازی، کرمانشاه)

- حسن‌آبادی، ابوالفضل (اسناد و مطبوعات آستان قدس رضوی)

- حسین‌طلایی، پرویز (دانشگاه شهید باهنر، کرمان)

- دشتکی‌نیا، فرهاد (دانشگاه شهید باهنر، کرمان)

- دلیر، نیره، (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران)

- روح‌بخش، رحیم (شورای عالی آموزش و پرورش، تهران)

- ریحانی، جاسم (آموزش و پرورش، شادگان خوزستان)

- شعبان‌زاده، بهمن (آموزش و پرورش، تهران)

- شعبانی، امامعلی (دانشگاه مازندران)

- صیامیان‌گرجی، زهیر (دانشگاه شهید بهشتی، تهران)

- طیبی، سید محمد (دانشگاه شهید باهنر، کرمان)

- عباسی، جواد (دانشگاه فردوسی، مشهد)

- فاضلی پور، طوبی (امور شعب انجمن ایرانی تاریخ، تهران)
- قدیمی قیداری، عباس (دانشگاه تبریز)
- کاویانی پویا، حمید (دانشگاه شهید باهنر، کرمان)
- نجمی، سید شمس الدین (دانشگاه شهید باهنر، کرمان)
- یوسفی فر، شهرام (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران)

کمیته اجرایی:

- دبیر کمیته اجرایی (تهران): رحیم روح بخش (شورای عالی آموزش و پرورش)
- دبیر کمیته اجرایی (کرمان): فاطمه بیگم روح الامینی (آموزش و پرورش، کرمان)
- تاج الدینی، مجتبی (دانشگاه شهید باهنر، کرمان)
- تورانی، بهجت (دانشگاه شهید باهنر، کرمان)
- توکلی، ملیحه (آموزش و پرورش، کرمان)
- دعاگویی، حمیدرضا (آموزش و پرورش، کرمان)
- رشیدی، احمد (فرهنگ و ارشاد اسلامی، زرنند)
- شکوه سلجوقی، آرمان (آموزش و پرورش، کرمان)
- صالحی، افشین (دانشگاه آزاد اسلامی، شهربابک)
- کریمی، عبدالرضا (آموزش و پرورش، کرمان)
- گلستانی حتکنی، زهرا (دانشگاه پیام نور، کرمان)
- محمودآبادی، محمد (سازمان اسناد جنوب شرق کشور، کرمان)
- منوچهری نیا، سوزان (دانشگاه شهید باهنر، کرمان)
- نیک پور، منجید (پژوهشگر تاریخ، کرمان)

اساتید داور

- یوسفی فر، شهرام (دانشگاه تهران)
- مفتخری، حسین (دانشگاه خوارزمی)
- صیامیان گرجی، زهیر (دانشگاه شهید بهشتی)
- دلیر، نیره (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)
- برومند، صفورا (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)
- عباسی، جواد (دانشگاه فردوسی مشهد)
- خسرویگی، هوشنگ (دانشگاه پیام نور)

صالحی، نصرالله (دانشگاه فرهنگیان)
 ابراهیمی، آمنه (دانشگاه علامه طباطبائی)
 خلیفه، مجتبی (دانشگاه بیرجند)
 دشتکی‌نیا، فرهاد (دانشگاه شهید باهنر کرمان)
 طبیبی، سیدمحمد (دانشگاه شهید باهنر کرمان)
 رشتیانی، گودرز (دانشگاه تهران)
 ملک‌زاده، الهام (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)
 رضوی خراسانی، سیدحسین (دانشگاه فرهنگیان)
 رجایی، سیدجلال (دانشگاه فردوسی مشهد)
 نجمی، سیدشمس‌الدین (دانشگاه شهید باهنر کرمان)
 حسین طلایی، پرویز (دانشگاه شهید باهنر کرمان)
 کاویانی، حمید (دانشگاه شهید باهنر کرمان)
 اسدپور، حمید (دانشگاه خلیج فارس)

هیئت داوران مقالات:

- آهنگری، فاطمه (آموزش و پرورش، تهران)
- احمدزاده، محمدامیر (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران)
- احمدی اختیار، مهدی (آموزش و پرورش، اصفهان)
- اخوی، امید (پژوهشگر، تهران)
- بوچانی، ابراهیم (آموزش و پرورش، ایلام)
- بیگدلو، رضا (پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی، تهران)
- پروانه، فرهاد (آموزش و پرورش، کرمانشاه)
- پروین، نادر (آموزش و پرورش، کرمانشاه)
- پهلوان، نورالله (آموزش و پرورش، آمل)
- حرآبادی فراهانی، عاطفه (پژوهشگر، تهران)
- حشمتی، فریده (آموزش و پرورش، تهران)
- رضایی، فخری (پژوهشگر، اصفهان)
- ریخته‌گر ماسوله، زهرا (آموزش و پرورش، تهران)
- زنگی‌آبادی، فخری (دانشگاه پیام نور، کرمان)
- شریفات، زهرا (آموزش و پرورش، امیدیه خوزستان)

- شکور قهاری، معصومه (دفتر تدوین دانشگاه آزاد اسلامی، تهران)
- صالحی‌نیا، پروانه (آموزش و پرورش، تهران)
- صمدی‌پور، سعید (آموزش و پرورش، تهران)
- فتاحی، قاسم (آموزش و پرورش، شهرکرد)
- فتحی، کورش (دانشگاه فرهنگیان، تهران)
- فردیار، مهرداد (پژوهشگر، تهران)
- فضلی، ابوالفضل (آموزش و پرورش، تهران)
- کاظمی، اعظم (آموزش و پرورش، اصفهان)
- کریمی، عبدالرضا (آموزش و پرورش، کرمان)
- گلستانی حتکنی، زهرا (دانشگاه پیام نور، کرمان)
- گنجعلی، زهرا (آموزش و پرورش، نیشابور)
- نریمان‌فرد، لیلا (آموزش و پرورش، تهران)
- نعمتی، رضوان (آموزش و پرورش، اصفهان)
- نعیمی، سهیلا (آموزش و پرورش، تهران)
- ماشاالهی، ژامک (آموزش و پرورش، تهران)
- مباشر امینی، زهرا (آموزش و پرورش، تهران)
- محمدی، محمدحسین (پژوهشگر، تهران)
- معماری، رزا (آموزش و پرورش، اراک)
- ملاحسینی، معصومه (آموزش و پرورش، قزوین)
- مهری، فرشید (آموزش و پرورش، تهران)
- هدایتی، اعظم (آموزش و پرورش، تهران)
- همتی، طاهره (آموزش و پرورش، تهران)

فهرست مطالب

مقدمه انجمن ایرانی تاریخ / ۱۱

مقدمه دبیران همایش / ۱۵

سخنرانی آقای دکتر رسول خیراندیش در مراسم افتتاحیه همایش / ۱۹

۱. روایتی نارسا و نادرست از درس تاریخ زبان و ادبیات ایران پیش از اسلام در کتاب درسی علوم و فنون ادبی (۱) پایه دهم

عباس آذرانداز، زری آذرانداز / ۲۳

۲. تجربیات معلمان تاریخ در ایجاد روحیه تحقیق نزد دانش آموزان

امیر آریایی نژاد / ۳۹

۳. تاریخ (۱)، ایران و جهان باستان، کتابی درسی با رویکردی متفاوت

فیروز آزادی / ۶۱

۴. تحلیل محتوای کتاب درسی تاریخ ایران و جهان باستان پایه دهم بر اساس مؤلفه های تفکر انتقادی

سارا اسدپور / ۷۱

۵. توجه به تاریخ محلی یکی از رسالت های معلمان تاریخ (گذری بر ۲۴ سال تدریس تاریخ)

حمید اشرفی خیرآبادی / ۹۵

۶. تحلیل محتوای کتاب درسی مطالعات نهم از نظر نقش تربیتی محتوای تاریخی منطبق با اهداف سند تحول بنیادین

فریده حیدری، سعدیه حیدری / ۱۱۳

۷. واکاوی تأثیر تصاویر کتاب تاریخ (۲) پایه یازدهم (رشته ادبیات و علوم انسانی) در انتقال مفاهیم به دانش آموزان

مهشید رضائی، امید اخوی / ۱۳۱

۸. بررسی و تحلیل محتوای کتاب تاریخ (۲) از پیامبر اسلام تا پایان صفویه به روش ویلیام رومی

جاسم ریحانی / ۱۵۵

۹. مقایسه محتوای آموزش تاریخ در کتاب‌های مطالعات اجتماعی چهارم و پنجم دبستان
حسین سلیمی / ۱۷۳
۱۰. نقش گردش علمی در تقویت یادگیری درس تاریخ در مدارس
زهرا شریف‌نات / ۱۸۹
۱۱. بررسی میزان و کیفیت هویت‌سازی در کتاب‌های درسی تاریخ متوسطه
کوروش صالحی، لیلا عزیزیان / ۲۰۷
۱۲. طرح درس بخش هنر و معماری عصر مغول و تیموری در کتاب تاریخ (۲) رشته ادبیات و علوم انسانی با تکیه بر مشارکت دانش‌آموزان درون‌گرا
طوبی فاضلی‌پور، مرضیه اصغرنژاد فرید / ۲۲۵
۱۳. معرفی و بازنگری کتاب درسی تاریخ سال سوم مقطع ابتدایی در سال ۱۳۴۵ ق (۱۳۰۶/۱۳۰۵ ش) و شناسایی مؤلف آن
مهرداد فردیار / ۲۴۵
۱۴. تاریخ اجتماعی و گرایش دانش‌آموزان به درس تاریخ
اعظم کاظمی / ۲۸۷
۱۵. راهکارهایی برای هدایت و تشویق استعدادها و تحصیلی دانش‌آموزان در حوزه مطالعات تاریخی
زهرا گلستانی حتکنی / ۲۹۹
۱۶. بررسی تأثیرات سندکاو بر آموزش تاریخ در مدارس (با جستاری در اسناد کرمان)
الهه محجوب / ۳۱۱
۱۷. راهکارهای ارتقای لذت یادگیری در فرایند تدریس تاریخ و رویکردهای نوین در این حوزه
فاطمه مرتضوی، زهره مرتضوی / ۳۳۵
۱۸. بررسی محتوای کتاب تاریخ (۲) از بعثت پیامبر اسلام تا پایان صفویه با دو روش مک لافلین و گانینگ
رزا معماری / ۳۵۳
۱۹. مغالطه‌های منطقی در نگارش کتاب تاریخ (۳) پایه یازدهم
علی ناظمیان فرد / ۳۶۷
۲۰. چه بنویسیم و چگونه تدریس کنیم، از تألیف تا تدریس کتاب‌های درسی تاریخ
سهیلا نعیمی / ۳۸۳
۲۱. کارکردهای کتاب صوتی در آموزش تاریخ
ویدا همراز / ۳۹۷

مقدمه انجمن ایرانی تاریخ

چهارمین همایش "آموزش تاریخ در مدارس" در بهمن ماه ۱۳۹۶ در استان کرمان برگزار شد. موضوع آموزش و پژوهش دانش تاریخ در مدارس و دانشگاه‌های کشور، با چالش‌ها و مسائل بسیاری روبرو بوده و هست. اگر چه از نظر نوع موضوعات و مسایل تفاوت‌هایی بین حوزه آموزش و پرورش و آموزش عالی وجود دارد، اما زمینه‌های مشترک بسیاری نیز با یکدیگر دارند. در باب آموزش تاریخ در مدارس، به عنوان بخشی از محتوای نظام تعلیم و تربیت کشور، بحث‌های بسیاری درگرفته و بنا به ضرورت‌های بسیار باید با گستردگی و ابعاد بیشتری تداوم یابد. هنوز در نظام آموزشی کشوری تاریخی چون ایران، کارویژه‌های «درس تاریخ» برای برخی از تصمیم‌گیران و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت کشور بخوبی فهم نشده است. جایگاه «درس تاریخ» در نظام آموزشی ایران، دیرهنگامی است که فراموش و به حال خود رها شده است و امکان تاثیرگذاری کارشناسان و مجامع مستقل در این روند با موانع اجرایی و اداری روبرو است. امری که باید به طور مستمر و خستگی‌ناپذیر به آن پرداخت و راه کارهایی موثر برای جلوگیری از تداوم آسیب‌ها و نتایج مخرب این وضعیت اندیشید. انجمن ایرانی تاریخ بنا به ماموریت‌هایی که در حوزه آموزش و پژوهش تاریخ در کشور و نیز نمایندگی جامعه تاریخ‌دانان کشور بر عهده دارد، تلاش‌های مستمر و پویایی را در درانداختن گفتگوهای کارشناسی در سطوح مختلف دانشگاه و معلمان تاریخ درانداخته است. پروژه‌ای که نهایت منطقی آن به خلق یک گفتمان جایگزین در نظام آموزشی مدارس در کشور و انسجام بخشی به جامعه معلمان و دانشگاهی در مسایل مشترک آنان شود. یکی از اهداف راهبردی برنامه‌هایی که در طی سه سال اخیر با عنوان "همایش آموزش تاریخ در مدارس کشور" با همکاری نزدیک معلمان و اعضای هیات علمی دانشگاه طراحی و اجرا شده است، دست‌یابی به چنین موقعیت سنجیده‌ای در جامعه تاریخ‌دانان کشور است. امری که با استقبال بی‌نظیری در بین دانش‌آموختگان رشته تاریخ در سراسر کشور روبرو شده است.

موضوع «درس تاریخ» در کشور تاریخی ایران، واجد اهمیت‌های بسیار است. اما یک وجه کاربردی این درس که کمتر توجه آگاهان و سیاست‌گذاران و مدیران ارشد و میانه مختلف در حوزه‌های ذریط را به خود جلب کرده است، به موقعیت هویت ایرانیان، چون امری تاریخی مربوط است. هویت ایرانیان، به مثابه امری تاریخی، با تاریخ مردمان این کشور و کلیت موازیت معنوی و فرهنگی ایرانیان، گره خورده است و از این رو است که شناخت و آگاهی تاریخ ایران، سازه هویتی و غنای مؤلفه‌های قوام‌دهنده آن را موجب می‌شود. نقش "درس تاریخ" در "تداوم تاریخی" فرهنگ و تمدن ایران از این زاویه هم قابل تاکید است.

اما با وجود کاربردها و ضرورت‌هایی که "درس تاریخ" در رشد و توسعه کشور دارد، بی‌اعتنایی‌ها و چالش‌های بسیاری در راه تاثیرگذاری آن در آموزش مدارس بوجود آمده است که باید آن موارد انحطاط‌زا را فهم کرد و راه‌هایی برای برطرف کردن آن‌ها جست و بکار برد. این واقعیت که فرد فرد ایرانیان، در دوره آموزش ابتدایی و سطوح متوسطه خود یک بار به‌طور نظام یافته از امکان «درک و فهم هویت» تاریخی خود، از مسیر «درس تاریخ» برخوردار می‌شوند، اهمیت و فوریت پرداختن به موضوع این همایش‌ها را نشان می‌دهد.

انجمن ایرانی تاریخ در راستای مأموریت‌های علمی و فرهنگی خود، برنامه‌های کشوری همایش «آموزش تاریخ در مدارس» را از سال ۱۳۹۵ تا کنون در استان‌های مختلف کشور به اجرا در آورده و آن را چون وظیفه‌ای ملی ادامه خواهد داد. آشکار است به انجام رساندن این‌گونه برنامه‌های دشوار، از عهده افرادی عاشق دانش و تاریخ این سرزمین برمی‌آید. از این‌رو بایسته است هنگامی که دست رنج این همایش‌ها در قالب مجموعه مقالات منتشر می‌شود، یادآوری زحمات همکارانی که یاری‌های بی‌دریغ آنان ساماندهی و پیشبرد امور را امکان‌پذیر کرده، صورت گیرد. اعضای هیأت مدیره و هیأت رئیسه انجمن ایرانی تاریخ، به ویژه سرکار خانم دکتر طوبی فاضلی‌پور، دبیر محترم انجمن ایرانی تاریخ، آقای دکتر شعبان‌زاده، مسئول محترم کارگروه آموزش و پرورش انجمن ایرانی تاریخ و همکاران محترم ایشان خانم‌ها آهنگری، حشمتی، صالحی‌نیا و آقای روح‌بخش. آقای دکتر جمشید روستا، عضو محترم هیأت علمی گروه تاریخ دانشگاه کرمان دبیری علمی همایش را بر عهده داشتند و آقای روح‌بخش به عنوان دبیر اجرایی همایش زحمات بسیاری را تقبل و به انجام رساندند. بسیاری از همکاران دیگر که در صفحات دیگر این کتاب ذکر نام و فعالیت‌های آنان درج شده است.

تلاش‌های همگی آنان را قدر دانسته و آرزوی موفقیت‌های بیشتر برایشان داریم. انجمن در برگزاری این همایش از یاری شماری از مراکز علمی و دانشگاهی برخوردار بود: گروه تاریخ دانشگاه شهید باهنر کرمان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی شعبه کرمان، اداره کل آموزش و پرورش استان کرمان، مرکز منطقه‌ای اطلاع‌رسانی علمی و فناوری پایگاه استنادی علوم جهان اسلام، شرکت ملی صنایع مس ایران، و دیگر کسانی که حمایت‌های معنوی خود را همیشه به انجمن ارزانی داشته‌اند. امید است مجموعه تلاش‌های صورت گرفته در راستای طرح مباحث روشمند و علمی در باب مسایل آموزشی و پژوهشی تاریخ در مدارس کشور، ضمن آن که ادبیات فاخری را در این زمینه بدست می‌دهد، چشم‌اندازهای کارشناسی به مباحث مزبور و مبنایی مستحکم برای تدوین برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های ضروری برای ارتقاء جایگاه آموزش تاریخ در مدارس و معلمان تاریخ بدست دهد.

دکتر شهرام یوسفی‌فر

رئیس هیات مدیره انجمن ایرانی تاریخ

اسفند ۱۳۹۷

مقدمه دبیران همایش

بدون تردید آینده رشته تاریخ در سرزمین ایران، مستلزم نوزایی همه جانبه و بازاندیشی در باب مفاهیم و ساحت‌های گوناگون این دانش است. با اندک تأملی در وضعیت کنونی این رشته، می‌توان به نقاط ضعف فراوانی در عرصه‌های گوناگون از جمله روش‌های آموزش تاریخ (در مقاطع تحصیلی گوناگون)، کتاب‌های درسی تاریخ، سطحی‌نگری و عدم پرداختن به جزییات تاریخ محلی، نوع نگاه جامعه به رشته تاریخ و دانشجویان این رشته، وضعیت اشتغال فارغ‌التحصیلان و مواردی از این نوع، پی برد. بی‌شک دیدن و بررسی‌دن همه این مسائل و معضلات، اولین گام در جهت برون‌رفت از این رکود علمی است. به نظر می‌رسد در گام نخست، باید تحولی عظیم در شیوه‌های آموزش تاریخ از آغازین مقاطع تا رسیدن به آخرین مقطع، ایجاد نمود. تجربه سال‌ها تدریس در حوزه تاریخ، به ما می‌آموزد که در این راستا پیش از هر اقدامی باید بر میزان اشتیاق دانش‌آموزان یا دانشجویان افزود. شور و نشاطی که باید از معلمان و آموزندگان تاریخ، به مخاطبان منتقل شود. تدریس تاریخ نیز همچون تدریس هر درس دیگر نیازمند تخصص، عشق و انگیزه است؛ از طرفی دیگر، بسیاری از شیوه‌های تدریس رشته تاریخ، قدیمی بوده و مدرسان این رشته نیازمند تکمیل دانش خود به‌ویژه آموختن نحوه استفاده از رسانه‌ها و فناوری‌های نوین، اینترنت، تصاویر و مواردی از این قبیل است.

آنچه مبرهن است در نگارش کتاب‌های درسی رشته تاریخ نیز باید از متخصصان این حوزه استفاده نمود و از طرفی، در نگارش کتاب‌های تاریخی نیز باید از ارائه تاریخ سیاسی صرف، خودداری کرده و به سایر ساحت‌های تاریخ، توجه نمود. بدون تردید یکی از این ساحت‌ها، تاریخ‌نگاری محلی است. مسلم است که مسئله عشق و علاقه به زادبوم و زادگاه و بیان وضعیت اجتماعی آن، از گذشته‌های بسیار دور به عنوان یکی از ویژگی‌های غیرقابل انکار تاریخ‌های محلی است و همین امر می‌تواند در افزایش انگیزه دانش‌آموزان و دانشجویان تاریخ مؤثر باشد. با این همه شیوه‌های تدریس، کتاب‌های درسی، ایجاد انگیزش و موارد این چنینی فقط بخش کوچکی از نظام درهم تنیده نهاد آموزشی تاریخ بوده و بدون تردید تغییر در نوع

نگرش جامعه به تاریخ و از آن مهم‌تر تلاش برای فراهم نمودن بستری جهت اشتغال فارغ‌التحصیلان تاریخ و جلوگیری از سرخوردگی آنان از اولویت‌های آینده‌نگری رشته تاریخ است. امید آن که این اهداف در آینده‌ای نه چندان دور، تحقق یابد.

در همین راستا و به دنبال برگزاری سومین همایش آموزش تاریخ در مدارس، طی اردیبهشت ماه ۱۳۹۶ در اصفهان؛ گروه تاریخ دانشگاه شهید باهنر و شعبه انجمن ایرانی تاریخ کرمان پیشنهاد برگزاری چهارمین دوره را در این استان به هیأت مدیره انجمن ایرانی تاریخ ارائه نموده و این پیشنهاد مورد تأیید واقع شد. بدین ترتیب فراخوان ارسال مقالات حول چهار محور اصلی «تاریخ آموزش در ایران»، «روش آموزش تاریخ در مدارس»، «تحلیل محتوای کتب درسی تاریخ» و «تاریخ محلی کرمان و پیوند آن با آموزش تاریخ» (محور ویژه)، ارائه گردید. در مهلت اعلام شده (آذر ۱۳۹۶)، برای دریافت چکیده مقالات - و البته تمدید یک هفته‌ای آن - تعداد ۱۴۰ چکیده مقاله دریافت شد، که از این تعداد ۱۳۵ چکیده مورد پذیرش قرار گرفت. دریافت این تعداد چکیده مقاله از پژوهشگران گرامی، حاکی از دغدغه‌های روز افزون اساتید و معلمان تاریخ نسبت به جایگاه و وضعیت آموزش این دانش و بیانگر یک مرحله جهشی در تداوم اینگونه همایش‌هاست. این آمار تقریباً دو برابر تعداد چکیده‌های سلسله همایش‌های قبلی «آموزش تاریخ در مدارس» بوده و نشان دهنده ظرفیت علمی و آگاهی پژوهشگران حوزه تاریخ از رسالت خویش است. کما اینکه نکته جالب توجه در این همایش، استقبال شایسته اساتید گرامی تاریخ مراکز آموزش عالی و دانشگاه‌ها از فراخوان مقاله بود. به طوری که این عزیزان با ارسال ۴۱ چکیده بعد از معلمان تاریخ - با ارسال ۸۶ چکیده - در ردیف دوم قرار گرفته و بعد از آنان، پژوهشگران آزاد یا وابسته به مراکز پژوهشی با ۳۸ چکیده جایگاه سوم را به دست آورده‌اند. (تفاوت آمار جمع چکیده‌های سه گروه مذکور با تعداد ۱۴۰ چکیده دریافتی، به دلیل این است که برخی چکیده مقالات توسط دو یا سه پژوهشگر نوشته و ارسال شده است.) ناگفته پیداست که این تکاپوها، زمینه پیوند و همکاری بیش از پیش دو نهاد تاثیرگذار دانشگاه و آموزش و پرورش در عرصه آموزش تاریخ را فراهم کرده و زمینه‌ای برای تبادل تجربیات صاحبان اندیشه این دو عرصه آموزش تاریخ ایجاد خواهد کرد.

به هر حال، در مرحله بعد تعداد یکصدوشش مقاله از سوی پژوهشگرانی که چکیده آنها مورد تأیید قرار گرفته بود، تدوین و جهت همایش ارسال گردید، مقالات توسط صاحب نظران

اعم از: اساتید دانشگاهی، معلمان تاریخ و محققان، داوری شده و از میان آنها تعداد یکصد مقاله مورد پذیرش قرار گرفت. از میان مقالات مورد پذیرش، تعداد سی و دو مقاله در روز همایش - ۵ بهمن ۱۳۹۶ - در دو سالن دانشکده ادبیات دانشگاه کرمان در قالب سخنرانی و میزگرد ارائه شد. سپس در گام بعدی، تعداد پنجاه مقاله برای چاپ در مجموعه مقالات همایش انتخاب گردید. از مقالات منتخب، تعداد ۲۸ مقاله که در حوزه تاریخ آموزش در ایران قرار داشت، برای چاپ در جلد اول مجموعه مقالات همایش منظور گردید و تعداد ۲۲ مقاله که در حوزه تحلیل محتوا و روش های آموزش کتب درسی تاریخ قرار دارد، برای انتشار در این مجموعه انتخاب شد. اهم محورها و مقالات منتخب چاپ شده در جلد دوم مقالات همایش به شرح ذیل می باشد:

۱. **شیوه های آموزش تاریخ:** این محور با توجه به گسترش روش های نوین آموزشی در عرصه تدریس، به خصوص تجربیات زیسته و موفق برخی از همکاران در آموزش تاریخ، در تمام فراخوان های سلسله همایش های آموزش تاریخ در مدارس منظور می شود. این محور در تنگنای چالش های روز آموزش تاریخ در مدارس اعم از: رواج روش سنتی آموزش (سخنرانی)، بی علاقه گی دانش آموزان به درس تاریخ، بی اعتنائی برخی مدیران به کتاب درسی تاریخ و ... در صدد ارائه راه کارهایی به معلمان تاریخ جهت برون رفت از معضلات مذکور است. در این محور، موضوعاتی نظیر: بررسی و نقد روش های نوین و سنتی آموزش تاریخ، بازخوانی تجارب زیسته و ابتکاری تدریس تاریخ توسط معلمان، شیوه های ایجاد خلاقیت، راه کارهای ایجاد انگیزه و علاقه به تاریخ در میان دانش آموزان، تأثیر فضای مجازی در آموزش تاریخ و ... مورد توجه پژوهشگران، به خصوص معلمان تاریخ قرار گرفته و تعداد ده مقاله از میان مقالات دریافتی این محور انتخاب و در این مجموعه به چاپ رسیده است.

۲. **تحلیل محتوای کتب درسی تاریخ:** یکی از بحران های اصلی آموزش تاریخ، سیطره نگاه ایدئولوژی رسمی بر این کتاب های درسی است. این معضل، منجر به تعریف محتوایی وقایع در کتاب های درسی و تحلیل جهت دار آنها شده است. ناگفته پیداست که این رویکرد، نقش کتاب های درسی تاریخ را به منزله یک مانیفست ایدئولوژی تلقی کرده و نقش معلم تاریخ را به عنوان آموزش و انتقال دهنده آن ایدئولوژی تقلیل داده است. به طوری که این امر، جایگاه و رسالت آموزشی معلمان تاریخ را در میان کادر مدرسه و سایر همکاران و حتی خانواده های دانش آموزان تنزل داده و در بعضی موارد، با واگذاری تدریس تاریخ به افراد

غیرمتخصص بر این عمل دامن زده می‌شود. بنابراین در این محور، دغدغه‌های معلمی نظیر: نقد محتوایی و تصاویر کتاب‌های مختلف درسی تاریخ به خصوص تاریخ ایران و جهان ۱ و ۲، آسیب‌شناسی رویکرد ایدئولوژی کتاب درسی تاریخ معاصر ایران، مغالطه‌های مفهومی مطالب کتاب‌های درسی تاریخ، نقد جایگاه هویت ملی در کتاب‌های درسی تاریخ، مقایسه محتوایی دوره‌های مختلف تحصیلی و تاریخی کتاب‌های درسی، نقد ساختاری و شکلی کتاب‌ها و ... مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته و از میان مقالات دریافتی این محور، تعداد نه مقاله برای چاپ در این مجموعه انتخاب گردید.

۳. **عرصه‌های نوین تاریخ:** در این همایش برخی عرصه‌های نوین تاریخ نظیر: مطالعات میان‌رشته‌ای تاریخ، تاریخ محلی، تاریخ شفاهی، تاریخ اجتماعی و ... نیز مورد توجه قرار گرفت. توجه به این حوزه‌ها در راستای آشنایی معلمان با عرصه‌های نوین تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگری و لزوم بهره‌گیری از آنها برای ایجاد علاقه به درس تاریخ از سوی دانش‌آموزان و تسهیل یادگیری این درس مطرح گردیده و با این رویکرد تعداد دو مقاله از میان مقالات دریافتی انتخاب و در این مجموعه به چاپ رسیده است.

در پایان بر خود فرض می‌دانیم تا از همکاری و مساعدت ریاست محترم دانشگاه شهید باهنر کرمان، ریاست محترم هیأت مدیره انجمن ایرانی تاریخ، اعضای محترم کارگروه آموزش و پرورش انجمن ایرانی تاریخ، مدیرکل محترم اداره کل آموزش و پرورش استان کرمان، مدیریت محترم سازمان اسناد و کتابخانه ملی منطقه جنوب شرق، مدیریت محترم مرکز منطقه‌ای اطلاع‌رسانی علوم و فناوری، ریاست محترم مجمع نمایندگان استان کرمان، مدیریت محترم شرکت ملی صنایع مس ایران (مس منطقه کرمان)، مدیریت محترم امور روابط عمومی شرکت ملی صنایع مس ایران (مس منطقه کرمان)، مدیریت محترم اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان زرنند، موسسه خانه کتاب، ریاست محترم شورای تولید بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی و زحمات بی‌دریغ دوستان ارجمند در کمیته‌های علمی و اجرایی قدردانی به عمل آوریم.

دبیر علمی همایش: دکتر جمشید روستا

دبیر اجرایی همایش: رحیم روح‌بخش

سخنرانی افتتاحیه چهارمین همایش آموزش تاریخ (کرمان)

دکتر عبدالرسول خیراندیش، استاد پیشکسوت تاریخ دانشگاه شیراز

ضمن تشکر از برگزارکنندگان همایش و گلایه از اینکه خیلی از کسانی که باید در این همایش حضور پیدا می‌کردند ولی نیستند. آموزش تاریخ در مدارس مسئله‌ای نیست که محدود به معلم و کتاب تاریخ باشد، بلکه گستره وسیع و طیفی از تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران اعم از متولیان عرصه‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را در برمی‌گیرد. من به عنوان کسی که سالیانی در حوزه کتاب‌های درسی تاریخ و مجله رشد تاریخ مسئولیت داشتم و به تعبیری قدمی و قلمی در این راه برداشتم، معتقدم اگر آموزش تاریخ نیازها و کاستی‌هایی داشته باشد، کمترین نقش در این مسیر را معلم و تدریس تاریخ دارد. مشکلات آموزش تاریخ، بیرون از کلاس و درس تاریخ است. انسان همیشه می‌آموزد، آموزش فرایند دائمی بوده و مربوط به زمان خاصی نیست. ما ۱۵۰ سال است که در دوران جدید و تحت تأثیر دولت‌ها و ملت‌های دنیای مدرن، صاحب آموزش و پرورش مدرن شده‌ایم و از همین منظر هم نظام نوین آموزشی در تاریخ اهمیت پیدا کرده است؛ اما در همین دوران، ما شاهد تغییراتی هستیم که کلیات آن بر آموزش تاریخ در مدارس تأثیر داشته است. پیش از آن طی هزاران سال، آحاد افراد جامعه ایران تحت تأثیر شرایط فرهنگ سنت شفاهی قرار داشتند، که البته آن فرهنگ هم فوائد خود را داشت.

اکنون سه تغییر عمده رخ داده است. ما برای اولین بار در شرایطی قرار گرفتیم که اکثریت جمعیت ما یعنی بیش از هشتاد درصد جمعیت کشور، ساکن شهرها شده‌اند، این حجم شهرنشینی در تاریخ گذشته ما دیده نشده. دیگر اینکه تعداد دانش‌آموختگان زن بسیار زیاد شده و حتی در برخی رشته‌ها از شمار مردان پیشی گرفته است؛ لذا این تغییرات، یعنی تحول جمعیت از روستا به شهر و افزایش زنان باسواد را باید مورد توجه قرار داد. حتی نسبت به ده سال پیش ما وارد دوره جدیدی شده‌ایم. از طرف دیگر، نسبت متوازی که در طول تاریخ ما از حیث فرهنگی و تمدنی میان سه عنصر: آب، خاک و انسان برقرار بود، به علت تحولات حاد تکنیکی به هم خورده و دیگر نمی‌توان به عناصر سازنده تمدن در این فلات به مانند گذشته

نگاه کرد. حال سؤال این است که این سه عامل مهم برای درس تاریخ چه چیزی را می‌گویند: این درس از منظر برنامه‌ریزان، قسمتی از محتوای تعلیم و تربیتی دارد، حال چه فهمی از این منظر در ذهن اصحاب تعلیم و تربیت وجود دارد، بماند. از سوی دیگر، از منظر معلمان تاریخ، آموزش تاریخ یعنی قسمتی از انتقال دانش به فراگیران.

صرف نظر از این دو رویکرد، مسئله مهم چیز دیگری است و آن اینکه، تاریخ کامل ایران تنها درسی است که در تمام مقاطع تحصیلی به طور مستقل آموزش داده می‌شود. یعنی تعداد کثیری دانش‌آموز که در دبستان تحصیل می‌کنند، یک بار تاریخ ایران را آموزش می‌بینند، سپس آن تعدادی که وارد دبیرستان می‌شوند، دوباره همان تاریخ را با تفصیل می‌خوانند، در نهایت تعداد محدودی هم که وارد رشته تاریخ در دانشگاه می‌شوند، یک بار دیگر تاریخ را آموزش می‌بینند. به تعبیر دیگر از دو میلیون نفر ورودی ابتدایی از سن هفت سالگی تا ورود به دانشگاه، حدوداً هزار نفر رشته تاریخ را انتخاب می‌کنند. سوال این است که این آموزش تاریخ در مقاطع مختلف تحصیلی چه دستاوردی دارد؟ واقع اینکه ما صرف نظر از آموزش تخصصی تاریخ در تمام این مقاطع، احتیاج به ارائه بینش و آگاهی از تاریخ به همگان داریم، تا این افراد بتوانند در هر مقطع که از تحصیل فراغت یافته و صاحب هر منصب و شغلی در هر سنی شدند، از آن بینش برای فهم جامعه و خویش بهره بگیرند. دستگاه تعلیم و تربیت معمولاً از این حیث مطالبه هویتی متفاوت از تاریخ و البته برخی دیگر از کتاب‌های درسی دارد. از این روی، تفاوتی که آموزش تاریخ با دیگر دروس دارد این است که در دروس دیگر، آموزش فرایندی روی به تکامل است، مثلاً در ادبیات فارسی، در هر سال تحصیلی، دایره لغات و مفاهیم نظم و نثر ادبی گسترش پیدا می‌کند. یعنی تحصیل این دروس رشد تکمیلی دارد. سوال این است که چرا آموزش تاریخ اینگونه در تمام دنیا دیده شده؟ در این رویکرد هدف این بوده که با عنایت به ریزش‌های دانش‌آموزی در مقاطع مختلف تحصیلی، دانش‌آموزان حداقل کلیات تاریخ ایران را بدانند و به تعبیری کلیه آحاد جامعه درکی از تاریخ داشته باشند.

نکته درخور توجه اینکه، این نگاه در گذشته با ملاحظه این نکته بود که دهه‌های پیشین، خیلی‌ها از مقطع ابتدایی به بعد، ادامه تحصیل نمی‌دادند. اما الان وضعیت تغییر کرده است. اینکه می‌گوییم هشتاد درصد جامعه ما شهرنشین شده‌اند، یعنی اینکه، اینها برای ادامه تحصیل اهمیت قائل می‌شوند و مهم‌تر اینکه آنها تلقی و درک خود را از تاریخ دارند. برای اینها شهر مهم‌ترین پدیده سرمایه مادی است، در حالی که قبل از عصر مدرن، روستا حامل تاریخ و

فرهنگ بوده و در همین روستا نیز به جز آن جنبه تاریخ که ماهیت داستانی داشته، بقیه تاریخ اصولاً تاریخ مردانه و برای مردان بوده است. حتی در تاریخ رسمی و نیمه رسمی کنونی نیز این فرهنگ غلبه کرده و زنان چنانکه باید دیده نمی شوند. در حالی که امروزه در میان قشر تحصیل کردگان ما که تاریخ می خوانند، یا تاریخ درس می دهند و حتی پژوهشگر تاریخ هستند، زنان سهم بسزایی دارند؛ لذا باید در این زمینه هم در عرصه آموزش تاریخ چرخشی حاصل شود، تا بتوانیم نیاز خود را برآورده کنیم. حال سؤال این است که این نیاز اساسی چیست؟ باید متذکر شد، کسی که وارد مدرسه می شود، معمولاً طی دوازده سال تحصیلات عمومی را طی می کند، اگر به مرحله دانشگاهی و تخصصی هم برسد، بر فرض بیست سال آموزش می بیند. با این فرض نیرویی که از دستگاه تعلیم و تربیت کشور فارغ التحصیل می شود، قرار است در یک شغلی به مدت سی سال - به عنوان یک دوره کامل کاری یک نفر - مشغول کار شود. حال اگر نقش تربیتی این فرد را هم در خانواده در نظر بگیریم، قرار است این فرد و فرزندان - طی یک دوره شصت ساله - با داشتن یک بینش تاریخی در جامعه ایفای نقش کنند. این بینش تاریخی می تواند حامل چه پیام مهمی باشد؟ اینجاست که لازم است به کسانی که مسئولیت برنامه ریزی، برنامه سازی و اجرا را به عهده دارند، متذکر شد که بدانند تاریخ درباره گذشته است اما برای گذشته نیست. درواقع تاریخ برای آینده است. باید این درک را داشته باشیم که امروز ضرورت جامعه ما چیست؟ این ضرورتاً تاریخ نگاری نیست، بلکه مسائل عمده ای نظیر مسائل توسعه ای، فقرزدایی، گسترش عرصه های تمدنی و تکنیکی، بهره مندی ها و دسترسی ها و خدمات و امثال آن است. به تعبیری اگر ما فقط به گذشته با شکوه خود بسنده کنیم، این زندگی در گذشته است. حتی نباید گذشته را به زمان حال و آینده بیاوریم. چون ما در زمان حال زندگی می کنیم، تاریخ در مقام آموزش حق ندارد مردم را به گذشته ببرد. اقتضای زمان حال، اقتضای زمان خودش است. چنانکه گذشتگان ما در زمان حال خود زندگی می کردند. به این ترتیب بررسی کنیم اینکه برای این دوره شصت ساله چه نیازهای تمدنی را آموزش بدهیم، یعنی برای آینده عرصه های تمدنی و زیستی خود را بررسی کنیم، سپس بر اساس آن، برنامه ریزان آموزش تاریخ به این فکر باشند که بتوانند سهم تاریخ را نیز در سیستم برنامه ریزی جامع کشور طرح کنند.

مشکلی که الان داریم و افق معضلات آینده را نشان می دهد، مسئله توازن جمعیتی شهر و روستا و تحولات زیست محیطی است. ما در شرایط خاص تمدنی ایران قرار داریم که در

گذشته این شرایط را نداشتیم، اما همان گذشتگان توانستند بر مشکلات عصر خود فایق آیند و جامعه را پیش ببرند. حال در مواجهه با مشکلات کنونی، کتاب درسی تاریخ از دوره ابتدایی تا دانشگاه چه حرفی برای گفتن می‌تواند داشته باشند؟ اگر حرفی نداشته باشند، تألیف و تدریس آنها فایده‌ای نخواهد داشت. به عنوان نمونه تاریخی از نقش کتاب درسی تاریخ، مایلم به یک تجربه نقش‌آفرینی کتاب درسی تاریخ در اروپا اشاره کنم. بعد از جنگ جهانی دوم، طی ارزیابی‌هایی که از خسارات دو جنگ به عمل آمد، معلوم شد فقط در اروپا حدود ۷۵ میلیون نفر از جنگ خسارت دیده و بعضی کشته شده‌اند. لذا در سال ۱۹۵۷ طی نشستی از صاحب نظران، این سؤال را مطرح کردند که تاریخ چه سهمی در مشکلات گذشته داشته و برای آینده چه کار می‌تواند بکند؟ آنجا بود که متوجه شدند آموزش تاریخ باید در راستای تحکیم صلح باشد و لذا بنای این برنامه درسی در اروپا گذشته شد و بسیاری از مشکلات اروپا حل شد. این مسئولیت به عهده سیاست‌مداران اروپا قرار گرفت و امروزه یکی از موفق‌ترین سیستم‌های اداری و سیاسی را دارند که موفق شدند در راستای همگرایی و اتحادیه‌های قاره‌ای نظیر: شورای اروپا، شینگن، بازار مشترک و غیره اروپا را به سوی وحدت سوق بدهند.

نمونه دیگر، کشور کانادا است. هدف ملی آموزش تاریخ در این کشور، حفظ جنگل‌ها تعریف شده است. به واقع اگر سازمان جنگل‌بانی این هدف را داشته باشد، بیراه نیست؛ ولی اینکه دستگاه تعلیم و تربیت آن کشور به این نتیجه رسیده، این هدف می‌تواند خیلی معنادار برای ما باشد. یا اینکه در ایالات متحده آمریکا که تاریخ کوتاهی هم دارد، هر ده سال یک بار، تعداد هزار پرفسور برجسته حوزه تاریخ، کتابی در حدود هزار صفحه تدوین می‌کنند. البته این برنامه پروسه‌ای طولانی طی می‌کند، تا به امضای رئیس‌جمهور برسد. در این پروژه، استانداردهای ملی تاریخ ایالات متحده، آینده‌نگری و خیلی مسائل دیگر به طور دقیق و جزیی مورد بررسی قرار می‌گیرد. به این ترتیب آموزش تاریخ بیش از اینکه غور در گذشته باشد، برای آیندگان تصمیم می‌گیرد. به تعبیر دیگر پاسخ آینده را در گذشته می‌جوید؛ یعنی تاریخ، علم گذشته‌شناسی است، اما معطوف به آینده. لذا میزان دانش ما از تاریخ را، درک ما از آینده تعیین خواهد کرد. والسلام

روایتی نارسا و نادرست از درس تاریخ زبان و ادبیات ایران پیش از اسلام در کتاب درسی علوم و فنون ادبی (۱) پایه دهم

عباس آذرانداز^۱، زری آذرانداز^۲

چکیده

در کتاب علوم و فنون ادبی پایه دهم (دوره دوم متوسطه)، فصلی به تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی آثار ادبی فارسی اختصاص یافته است. عنوان نخستین درس این فصل، «زبان و ادبیات پیش از اسلام» نام دارد که در آن سرگذشت زبان‌های ایرانی، از جمله زبان و ادبیات فارسی بازگو می‌شود. معرفی ریشه و پیشینه زبان و ادبیات فارسی به دانش‌آموزان دبیرستانی امری شایسته و بایسته است، اما شوربختانه این معرفی بسیار نارسا، مغشوش و در مواردی نادرست انجام گرفته است. بندهای نوشته با یکدیگر در تناقض آشکار است، اطلاعات درستی درباره وضعیت زبانی ایرانیان پیش از اسلام داده نشده و جایگاه زبان فارسی در میان زبان‌های ایرانی به خوبی ترسیم نشده است. در دوره باستان، مرزبندی روشنی میان زبان فارسی باستان و زبان اوستایی صورت نگرفته، و در دوره میانه نیز بخش بزرگی از ادبیات فارسی میانه، که خارج از حیطه ادبیات زرتشتی قرار داشته، نادیده گرفته شده است.

در این مقاله ضمن نقد و بررسی مطالب این درس، پیشنهادهایی برای اصلاح مطالب و معرفی بهتر زبان و ادبیات فارسی پیش از اسلام به دانش‌آموزان داده می‌شود. **واژگان کلیدی:** کتاب علوم و فنون ادبی، زبان و ادبیات پیش از اسلام، زبان‌های ایرانی، زبان فارسی.

۱. عضو پژوهشکده فرهنگ اسلام و ایران، دانشگاه شهید باهنر کرمان abbasazarandaz@yahoo.com

۲. دبیر آموزش و پرورش کرمان

مقدمه

شکی نیست که لازمه بررسی شعر و ادبیات هر قومی، توجه و پرداختن به ریشه‌ها و بنیان‌های ادبی آن قوم است. شعر و ادبیات فارسی نیز از این قاعده مستثنی نیست، ما همه زوایای شعر رودکی را به خوبی نخواهیم فهمید اگر ندانیم که او بازمانده نسلی از سرودگویان دوره ساسانی است، که با عنوان خنیاگر شناخته می‌شدند. خنیاگران خود ادامه‌دهندگان راه گوسانان پارتی در شیوه‌های شاعری و نوازندگی بودند. همچنین به بلاغت فردوسی در شاهنامه پی نخواهیم برد اگر معیار ما در سنجش آن، تنها اصول گفته شده در کتاب‌های بلاغت چون اسرارالبلاغه، ترجمان‌البلاغه و المعجم باشد و به پیشینه بلاغی آن در دوره میانه، در آثاری چون یادگار زریران و به روش‌های حماسه‌سرایی یشت‌ها بی‌توجه باشیم. حتی وزن شعر فارسی که گفته می‌شود پس از اسلام تغییر ماهوی کرده است با پژوهش‌های صورت گرفته تقریباً ثابت شده است که پیوندهای روشنی بین وزن کمی شعر فارسی با شعر تکیه‌ای پیش از اسلام وجود دارد.^۱

زبان فارسی دری که پس از سقوط ساسانیان تا امروز در ایران رواج داشته و آثار ادبی ارزشمندی از آن به یادگار مانده، تارسیدن به این مرحله، از دو دوره تاریخی فارسی باستان و فارسی میانه گذر کرده است. در دوره ساسانیان، زبان فارسی میانه زبان ادبی و دیوانی بوده و بنیاد این زبان، لهجه استخری است که مهد و میهن ساسانیان بوده است.^۲ و در دوره هخامنشیان نیز، زبان فارسی باستان به گواهی سنگ‌نوشته‌های شاهان هخامنشی، زبان رایج در ناحیه پارس بوده است.^۳ زبان فارسی جزء گروه زبان‌های هندواروپایی است که خویشاوندی آن با برخی از زبان‌های این گروه در اواخر سده هیجدهم مطرح شد، و با پدید آمدن زبان‌شناسی تاریخی تطبیقی در قرن نوزدهم - که دانش زبان‌شناسی در این قرن تا حد زیادی در پیرامون پژوهش‌های تاریخی، آن هم در زمینه زبان‌های هندواروپایی متمرکز شده بود - مطالعه در باره زبان‌های ایرانی نیز نضج گرفت.^۴

۱. ژیلبر لازار، «وزن شعر در زبان پارتی و میراث پارتی آن» در *بررسی وزن شعر ایرانی*، ترجمه لیلیا مجیدی، تهران: هرمس، ۱۳۹۵ ص ۱۰۳.

۲. و. س. راستارگویا، *دستور زبان فارسی میانه*، ترجمه ولی‌الله شادان، ص ۱.

۳. رودریگر اشمیت، «فارسی باستان»، در *راهنمای زبان‌های ایرانی*، تهران: ققنوس، ۱۳۸۲، ص ۲۲۴.

۴. در باره عصر بررسی‌های تاریخی و تطبیقی در زبان‌شناسی و تاریخ بررسی زبان‌های هندواروپایی نک: آر. اچ. روبینز، *تاریخ مختصر زبان‌شناسی*، ترجمه علی محمد حق‌شناس، تهران: کتاب ماد، ۱۳۷۳، ص ۳۴۶-۳۸۹.

زبان‌های ایرانی و زبان‌های هندی، شاخه مهمی از زبان‌های هندواروپایی را تشکیل می‌دهند که که با نام هندوایرانی شناخته می‌شود. «سرچشمه واحدی که تمام زبان‌های ایرانی از آن منشعب می‌گردند، به طور قراردادی زبان ایرانی باستان نامیده می‌شود. این زبان اصلی که در روزگار بسیار قدیم وجود داشته، پایه و مایه وحدت تاریخی زبان‌های ایرانی به شمار می‌رود. زبان‌های ایرانی خویشاوند، در جریان تطور این زبان اصلی و مشترک پدید آمدند؛ بنابراین تمام زبان‌های ایرانی خویشاوند، اعم از باستانی و کنونی و زبان‌های واجد خط و بدون خط در واقع لهجه‌های متفرع از زبان مشترک اصلی ایرانی هستند که به شکل زبان‌های مستقل درآمده‌اند.»^۱ مطالعه زبان‌های ایرانی در پیشرفت زبان‌شناسی هندواروپایی، نقشی بسیار مهم ایفا کرده است. تاریخ ویژه زبان‌های ایرانی که فارسی یکی از آنها است، به صورت مستقل از زمانی آغاز می‌گردد که سرچشمه آنها از بخش هندی جدا شد و در طول تاریخ، سه مرحله تاریخی را پشت سر گذاشت که در مباحث مربوط به نقد درس، به مناسبت از آنها سخن خواهیم گفت.

کتاب‌های درسی مدارس، به دلیل اهمیتی که دارند همواره از موضوعات مورد بحث میان پژوهشگران، معلمان و استادان بوده است، و همین امر سبب گردیده که گاه نقدهایی درباره محتوای آنها نوشته شده، در نشریات مختلف به چاپ برسد. اخیراً برای رسیدن به نتایج مطلوب‌تر، همایش‌هایی نیز برگزار می‌شود که در آنها از جنبه‌های مختلف این کتاب‌ها به بوتۀ نقد کشیده می‌شود.^۲ نکته قابل تأمل در بارۀ محتوای این کتب، مبحث تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام است که در نوشتن مطالب مربوط به آن، دقت لازم نشده است؛ بدون توجه به اینکه بین دوره‌های مختلف تاریخی ادبیات ایران، پیوندهای ناگستنی وجود دارد و معرفی نسنجیده ادوار تاریخی گذشته، عملاً فهم درست ادبیات و شعر پس از اسلام را نیز با مشکل مواجه می‌سازد. چنانکه در کتاب درسی سال دوم دبیرستان با نام «تاریخ ادبیات ایران و جهان»^۱ که به ادبیات پیش از اسلام پرداخته همین غفلت صورت گرفته است.^۳

۱. ای. م. آرانسکی، مقدمه فقه اللغة ایرانی، ترجمه کریم کشاورز، تهران: پیام، ۱۳۷۹، ص ۲۹.

۲. همایش ملی بررسی موضوعی کتاب‌های درسی زبان و ادبیات فارسی زبان و ادبیات فارسی (چالش‌ها و چشم‌اندازها)، شیراز: اداره آموزش و پرورش ناحیه ۲، ۲۷ و ۲۸ آبان ۱۳۹۴.

۳. در بارۀ نقد این درس نک: معصومه باقری و عباس آذرانداز، «نقد و بررسی درس نخست تاریخ ادبیات ایران و جهان»، در پرنیان سخن، ص ۱۸۶-۱۹۹.

کتاب «علوم و فنون ادبی» سال دهم، که اخیراً تألیف شده، دارای مباحث گوناگونی شامل کلیات، تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی، موسیقی شعر و زیبایی‌شناسی است که فصل تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی این کتاب خوشبختانه، چنانکه باید، با «ادبیات پیش از اسلام» شروع شده است؛ اما متأسفانه از همان ابتدا با خواندن نخستین جملات، رضایتی که از این حسن توجه به وجود آمده رنگ می‌بازد و آشکار می‌شود کار به دست متخصص سپرده نشده است. به طور کلی اطلاعاتی که در باره زبان‌های ایرانی، زبان فارسی در مراحل باستانی و میانه، و همچنین ادبیات آن داده شده است با واقعیت منطبق نیست و شایسته است که در آن بازنگری شود. در این مقاله، با روش توصیفی - تحلیلی، محتوای این درس را نقد و ارزیابی کرده، و با تکیه بر جریانات ادبی تأثیرگذار پیش از اسلام بر آثار ادبی زبان و ادبیات فارسی می‌کوشیم طرح مطلوب‌تری را برای آن پیشنهاد کنیم.

۱- معرفی زبان فارسی

مبحث ادبیات ایران پیش از اسلام کتاب «علوم و فنون ادبی»، با معرفی زبان فارسی این‌گونه آغاز می‌شود: «زبان ایرانیان پیش از اسلام که ریشه و مادر زبان امروز ایران است، «پارسی» یا «فارسی» نامیده می‌شد. در ایران پیش از اسلام آثار فرهنگی - ادبی، قرن‌ها سینه به سینه حفظ شده است؛ مثلاً «اوستا» را موبدان برای اجرای مراسم دینی، از حفظ می‌خواندند؛ تا اینکه سرانجام در دوره ساسانی، آن را به نگارش درآوردند.»^۱

اینکه در یک بند کوتاه آن هم در کتاب آموزشی که برای دانش‌آموزان یک کشور نوشته شده، بتوان این همه اطلاعات غیرعلمی و نادرست داد، شگفت‌انگیز است. «پارسی» یا «فارسی» نامیده شدن زبان ایرانیان پیش از اسلام، و «زبان امروز ایران» چه معنی می‌دهد؟ پارسی یا فارسی باستان و فارسی میانه نامی است که در زمان ما به این زبان‌ها داده شده است. در واقع از این جمله چنین استنباط می‌شود که در پیش از اسلام به این زبان «فارسی» می‌گفتند، واژه‌ای که معرب «پارسی» است و پس از اسلام است که این تلفظ را یافته است. از این گذشته برداشت دیگری که از «زبان ایرانیان پیش از اسلام فارسی بوده است»، می‌شود کرد،

۱. علوم و فنون ادبی (۱)، رشته‌های ادبیات و علوم انسانی - علوم و معارف اسلامی، پایه دهم (دوره دوم متوسطه)، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، ۱۳۹۵.

این است که ایرانیان پیش از اسلام همه فارسی صحبت می‌کردند، و نیز از این جمله که این زبان «ریشه و مادر زبان امروز ایران است» این برداشت می‌شود که زبان امروز ایرانیان تنها «فارسی» است. لازم به یادآوری نیست که ایرانیان پیش از اسلام، هم در دوره باستان و هم در دوره میانه، و همچنین پس از اسلام به زبان‌های متعددی صحبت می‌کردند که تنها یکی از آنها «پارسی» یا «فارسی» است.

در جمله بعدی این بند، از سینه به سینه حفظ شدن آثار فرهنگی - ادبی در پیش از اسلام سخن به میان آمده است، که سخن درستی است، و زبان اوستایی را برای آن مثال آورده است: «مثلاً» «اوستا» را موبدان برای اجرای مراسم دینی، از حفظ می‌خواندند؛ تا اینکه سرانجام در دوره ساسانی، آن را به نگارش درآوردند، که این هم البته سخن درستی است، اما با جمله نخست که گفته شده بود زبان ایرانیان پیش از اسلام «پارسی» یا «فارسی» است در تناقض آشکار است. چون گردآورنده این متن آگاهی کاملی از زبان‌های ایرانی نداشته نه تنها متوجه این تناقض نشده است، بلکه در دسته‌بندی آنها نیز در بند بعد، با این تصور نادرست که زبان ایرانیان پیش از اسلام، تنها فارسی است، مرتکب خطا شده است، بدون توجه به اینکه ایرانیان در دوره باستان، علاوه بر زبان پارسی، به زبان‌های اوستایی، مادی و سکایی نیز سخن می‌گفتند؛ یا در دوره میانه، زبان‌های ایرانی به دو گروه شرقی و غربی تقسیم می‌شد، که هر گروه شامل تعدادی زبان هم‌ریشه، اما مستقل از هم بود.

۲- دسته‌بندی زبان‌های ایرانی

در بند دوم درس، با این عبارت نادرست مواجه می‌شویم: «از نظر تاریخی زبان‌های ایرانی را به سه دسته عمده تقسیم می‌کنند: فارسی باستان، فارسی میانه و فارسی نو». چگونه می‌تواند فارسی باستان، فارسی میانه و فارسی نو هر کدام یک «دسته» باشند. روشن است که منظور از سه دسته زبان‌های ایرانی، زبان‌های ایرانی باستان، زبان‌های ایرانی میانه و زبان‌های ایرانی نو بوده است، و فارسی باستان، فارسی میانه و فارسی نو یکی از این زبان‌ها در هر دوره تاریخی است.

از چهار زبان در دوره باستان، که ایرانیان به آن سخن می‌گفتند آگاهی داریم: اوستایی، فارسی باستان، مادی و سکایی. از این زبان‌ها، آثار مکتوب دو زبان بر جای مانده است: یکی زبان اوستایی که در سرزمینی از نواحی شرق ایران بدان سخن می‌گفته‌اند و قدیم‌ترین آثار آن

احتمالاً متعلق به زمانی میان قرن هشتم تا دهم قبل از میلاد است و دیگری زبان فارسی باستان که زبان ناحیه فارس بوده و کتیبه‌های شاهان هخامنشی بدان نوشته شده و قدیم‌ترین آنها از قرن پنجم ق. م. و متأخرترین آنها از قرن سوم ق. م. است. از زبان‌های دیگر این دوران، یعنی مادی و سکایی، تنها اطلاعات اندکی در دست است.^۱

دوره میانه زبان‌های ایرانی، از حدود قرن سوم قبل از میلاد (سقوط هخامنشیان) تا قرن هفتم میلادی (سقوط ساسانیان) را شامل می‌گردد. از زبان اوستایی در دوره‌های بعد اثری باقی نمانده است. از زبان مادی نیز در دوره میانه اطلاعی نداریم. در مقابل در این دوره، از چند زبان مدارک و اطلاعات نسبتاً قابل توجهی در دست داریم که از دوره باستانی بعضی از آنها بی‌اطلاعیم. این زبان‌ها عبارت‌اند از پارتی، پهلوی (یا فارسی میانه) سغدی، سکایی و خوارزمی.^۲ برخلاف نظر دکتر علی‌اشرف صادقی، بیشتر زبان‌شناسان اعتقاد دارند که فارسی میانه تحول‌یافته زبان ترکیبی فارسی باستان است، که در روند تحول خود به زبان تحلیلی تبدیل شده است.

بحثی نیست که در یک درس کوتاه در دوره دبیرستان نمی‌توان به همه این زبان‌ها پرداخت، اما اگر قرار است درباره پیشینه زبان و ادبیات فارسی سخن بگوییم باید سخن ما بر پایه داده‌های درست استوار باشد.

۳- شعر پهلوی

هرچند اشعار کمی از ادبیات فارسی میانه باقی مانده، اما شواهد بسیاری وجود دارد که نشان می‌دهد خنیاگری در دوره ساسانی در اوج شکوفایی قرار داشته و در سده‌های نخستین هجری، شعر غنایی فارسی به شدت تحت‌تأثیر این دوره است. از ادبیات حماسی، تعلیمی و غنایی نمونه‌هایی در آثار فارسی میانه زرتشتی و مانوی برجای مانده است، که برای شناخت پیشینه شعر فارسی دری، منبعی ارزشمند به شمار می‌رود؛ اما در باره این میراث گرانها نیز توضیحات ناقص و در مواردی نادرست داده شده است: «شعر پهلوی نیز به وضعی مشابه دچار گردید اشعار کمی به زبان پهلوی در دست است و آنچه باقی مانده، دچار تحریف‌هایی شده است. بعضی از قطعات، بازمانده اشعار تعلیمی و اخلاقی‌اند، این قطعات شعری در میان

۱. احمد تفضلی، *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*، تهران: سخن، ۱۳۸۳، ص ۱۲.

۲. علی‌اشرف صادقی، *تکوین زبان فارسی*، تهران: دانشگاه آزاد ایران، ۱۳۷۵، ص ۷.

اندرزنامه‌های منثور جای دارند، مانند منظومه «درخت آسوریک» و «یادگار زیران» که هر دو اصل پارتی دارند.^۱

این مطالب در این کتاب درسی، از تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام نوشته مرحوم احمد تفضلی نقل شده است، که می‌توان به قطع و یقین گفت معتبرترین منبع در معرفی تاریخ ادبیات پیش از اسلام ایران به زبان فارسی است؛ اما چون مؤلف درس، این جملات را از دو جای مختلف کنار هم قرار داده و به کل کتاب و نمونه‌های دیگری که از شعر فارسی در این کتاب معرفی شده بی‌توجه بوده است، سه اشکال اساسی در این بند پدید آمده است:

۱-۳- نخست به کار بردن اصطلاح «شعر پهلوی» به جای «شعر فارسی میانه» است. تفضلی به این دلیل عنوان این بخش را شعر پهلوی گذاشته است که در فصلی دیگر، شعر مانوی را نیز که مانویان به زبان‌های ایرانی، از جمله فارسی میانه سروده‌اند معرفی می‌کند. اگر قصد مؤلف درس فارسی تنها معرفی اشعار زرتشتیان به زبان فارسی میانه بود، می‌بایست این موضوع را توضیح می‌داد و تفاوت اصطلاح پهلوی را با فارسی میانه روشن می‌کرد. در مورد تفاوتی که میان اصطلاح فارسی میانه و پهلوی وجود دارد زوندرومان می‌گوید: «فارسی میانه را به عنوان مشخصه زبانی باید از نام‌گذاری کهن‌تر (از جمله) «پهلوی» جدا کرد، چرا که این نام برای دانشمندان اروپایی در آغاز و در حدی گسترده، نشان دهنده فارسی میانه زرتشتی و به صورت pahlavīk تا حدی برای نشان دادن «پارتی» به کار رفته است. بیش‌ترین و مهم‌ترین شواهد نوشتاری فارسی میانه مربوط به سده‌های سوم تا هفتم میلادی و نهم تا دهم میلادی است. بنابراین موضوع توصیف فارسی میانه بیش‌تر باید دربرگیرنده همه ویژگی‌های این مرحله متأخر باشد؛ اما باید توجه داشت که فارسی میانه متأخر در گستره‌ای عظیم و زمانی طولانی دارای گویشور بوده است و پیروان دین‌های گوناگونی آن را به کار برده‌اند.»^۲

یکی از دین‌هایی که زوندرومان به آن اشاره می‌کند، کیش مانوی است که برخی از پیروان آن به فارسی میانه سخن می‌گفتند و ادبیات گسترده و اشعار جالب توجهی آفریده‌اند، بنابراین وقتی که قرار است از فارسی میانه و آثار منثور و منظوم آن سخن گفته شود بدیهی است که نباید این بخش مهم را نادیده گرفت. اشعاری که مانویان سرودند بیشتر مضمون عرفانی دارد که در این درس اشاره‌ای به آن نشده است. سرودهای عرفانی مانوی مشابهت زیادی با اشعار

۱. علوم و فنون ادبی (۱)، ص ۳۸.

۲. ورنر زوندرومان، «فارسی میانه»، در راهنمای زبان‌های ایرانی، تهران: ققنوس، ۱۳۸۲، ص ۲۲۴.

عرفانی فارسی چون آثار عطار، سنایی و مولوی دارد که اگر نگوییم عرفان مانوی بر شعر عرفانی فارسی تأثیر مستقیم داشته است، که ممکن است چنین باشد، شکی نیست تأثیر غیرمستقیم داشته است.

مانویان در قالب‌های گوناگونی، شعر سرودند، بهترین نمونه‌های هنر شعر مانوی شعرهای بلندی است که «سرودنامه» خوانده می‌شود.^۱ این اشعار در وهله نخست نفس زنده را، یعنی آن بخش از نور را که ایزدی است که در زندان ماده گرفتار شده و رنج می‌کشد، توصیف می‌کنند؛ اما دایره شمول آن تنها به این ایزد که صفت رنج‌بر دارد محدود نمی‌شود، بلکه جان انسان‌ها و شرایط دشوار او را در این جهان؛ بزرگان دین، از جمله مانی و پیامبران؛ و مرثیه‌ها و سرودهای یادبودی، تا نمونه‌ای ازلی را که در اسطوره آفرینش مانی هرزبدیغ خوانده می‌شود در برمی‌گیرد.^۲ اشتراک مضمون این اشعار با اشعار عرفانی فارسی به حدی زیاد است که نمی‌توان در تحلیل تاریخ زبان و ادبیات فارسی به آسانی از کنار آنها گذشت. در اشعار فارسی میانه زرتشتی که برجای مانده است، نمونه‌های عرفانی دیده نمی‌شود؛ از این روی سرودهای مانوی از این لحاظ، منحصربه‌فرد هستند. سرودهای ستایشی مانوی نیز که در قالب‌های کوتاه‌تر سروده شده‌اند، عناصری را از بلاغت یشت‌های اوستا در خود دارند، و برخی سنت‌های ادبی شعر ایرانی را در مرحله انتقال به دوره ادبی بعد نشان می‌دهند.

۳-۲. مورد نادرست دیگر در این بند، اندرزنامه خواندن درخت آسوریک و یادگار زریران است: «بعضی از قطعات، بازمانده اشعار تعلیمی و اخلاقی‌اند، این قطعات شعری در میان اندرزنامه‌های منثور جای دارند، مانند منظومه «درخت آسوریک» و «یادگار زریران» که هر دو

۱. در باره سرودنامه‌های پارتی و سغدی نک: Boyce, Mary. *The Manichaean Hymn-Cycles in Parthian*. Sundermann, Werner, *the Manichaean Hymnecycles* :London: Oxford University Press, 1954
Huyadagmān ana Angadrōšnān in Parthian and Sogdian, London, 1990
سرودنامه‌های مانوی نک: Mackenzie, D. N. "Two Sogdian Hwiydagm'n Fragments" *Papers in Honour of Prof. Mary Boyce*, 1982
عباس آذرانداز و معصومه باقری، «سرودنامه سغدی هویدگمان»، *زبان و ادب*، دانشگاه شهید باهنر کرمان، ص ۱-۲۳.

۲. مری بویس انواع سرودهای فارسی میانه و پارتی مانوی را در اثر درسنامه‌ای خود با عنوان *A Reader in Manichean Middle Persian and Parthian* به تفکیک موضوع با حواشی و تعلیقات در ۱۹۷۴ به چاپ رساند، در زبان فارسی نیز سرودهای گردآوری شده این کتاب را ابوالقاسم اسماعیل‌پور در کتاب سرودهای روشنائی، ترجمه کرده است، برای کتابشناسی کتب یاد شده نک: فهرست منابع.

اصل پارتی دارند.^۱

درخت آسوریک را می‌توان یک رسالهٔ تعلیمی نامید؛ اما اخلاقی خواندن آن با محتوای این متن پهلوی، که منظومهٔ مفاخره‌آمیزی است میان بز و نخل چندان مناسبت ندارد. البته بی‌مورد نیست اگر آن را از زمرهٔ ادبیات اندرزی بشمریم که مرحوم تفضلی به دلیل این که درخت آسوریک شعری است دربردارندهٔ فهرست‌هایی از کلمات مرتبط با هم با هدف تقویت حافظه و تعلیم، چنین جایگاهی برای آن قائل شده است.^۲ نکتهٔ شگفت این‌که در این بند، «یادگار زریران» نیز بازماندهٔ اشعار تعلیمی و اخلاقی خوانده شده است.

یادگار زریران تنها متن حماسی موجود در ادبیات پهلوی است. این اثر تنها اثر منظوم حماسی دورهٔ میانه است که حماسه‌های ایران باستان را به حماسه‌های پس از اسلام متصل می‌کند. یادگار زریران واسطه‌ای میان یشت‌ها و منظومه‌های حماسی ایران در عهد اسلامی است، حلقه‌ای است که این دو سلسلهٔ منظوم حماسی را به هم پیوند می‌دهد. ذبیح‌الله صفا دربارهٔ پیوند منظومه‌های حماسی چون شاهنامه و آثار حماسی پیش از اسلام می‌گوید: «اگر در لهجات متوسط ایران اثری از منظومه‌های حماسی نبود، می‌بایست فکر حماسی در ایران بی‌هیچ گونه مقدمه و سیر عادی، ترقی و تکامل یابد و یکباره در قرن چهارم و پنجم هجری ظهور کند و این امر تا درجه‌ای غیرممکن بنظر می‌آید.»^۳

یادگار زریران، از مهم‌ترین آثار ادبی ایران در دورهٔ میانه است، که نشان می‌دهد یک سنت نیرومند حماسی در ادبیات آن عصر وجود داشته و آثار حماسی پس از اسلام، از جمله شاهنامه در ادامهٔ این سنت خلق شده‌اند،^۴ از این روی در درسی که به ادبیات پیش از اسلام می‌پردازد و انواع آن را معرفی می‌کند، نهایت کج‌سلیقگی است که این بخش پراهمیت شعر را در دورهٔ میانه نه تنها از قلم بیندازد، بلکه بسیار ناشیانه آن را در زمرهٔ ادبیات تعلیمی معرفی کند.

۱. علوم و فنون ادبی (۱)، ص ۳۸.

۲. تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، ص ۲۵۸.

۳. ذبیح‌الله صفا، حماسه‌سرایی در ایران، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳، ص ۱۲۱.

۴. در بارهٔ ویژگی‌های شعری و ادبی درخت آسوریک، نک: عباس آذرانداز، «اهمیت ادبی درخت آسوری» و دربارهٔ ویژگی‌های شعری و ادبی یادگار زریران، «یادگار زریران، نمونه‌ای از هنر شاعری ایرانیان در دورهٔ میانه»، برای اطلاعات کتابشناختی نک: فهرست منابع.

۳-۳- برای فهم بهتر نکته سوم، لازم است عبارات متن درس از نو تکرار شود: «اشعار کمی به زبان پهلوی در دست است و آنچه باقی مانده، دچار تحریف‌هایی شده است. بعضی از قطعات، بازمانده اشعار تعلیمی و اخلاقی‌اند، این قطعات شعری در میان اندرزنامه‌های منشور جای دارند»، این عبارت واقعیتی را در باره اندرزنامه‌های پهلوی بیان می‌کند و نویسنده مطلب (دکتر تفضلی) در ادامه، به‌طور مختصر اندرزنامه‌های منظوم را معرفی می‌کند و سپس به اشعار دیگر غیراندروزی چون بهرام ورجاوند و دو اثر مهم منظوم پهلوی، یادگار زیران و درخت آسوریک می‌رسد^۱، اما بنظر می‌رسد چون نویسنده متن درس به شعر پهلوی اشراف نداشته، نمونه‌های خود را از صفحه بعد کتاب منبع مورد استفاده خود آورده، که دیگر موضوع ربطی به نمونه‌های شعر تعلیمی و اخلاقی نداشته و در واقع نویسنده منبع مورد استفاده گردآورنده در نظر داشته است نمونه‌های شعری دیگری را از متون پهلوی معرفی کند.

منظور از «بازمانده اشعار تعلیمی و اخلاقی» یا همان «قطعات شعری در میان اندرزنامه‌های منشور» اندرزنامه‌های کوتاهی هستند که در همین چند دهه اخیر، منظوم بودن آنها کشف شده است، از جمله اندرزنامه‌ای که خیم و خرد فرخ مرد نام دارد که تاوادیا متوجه شعر بودن آن شد^۲، یا اندرز بهزاد فرخ پیروز را که تفضلی آن را معرفی کرد.^۳ شاکد نیز سه اندرزنامه منظوم را با عناوین یک شعر تحدیری، در وصف خرد و در ستایش خرد از نظر وزن مورد تحلیل قرار داد.^۴

اندرزنامه‌های پهلوی از مهم‌ترین بخش‌های ادبیات دوره میانه و متعلق به سنت شفاهی در ایران باستان هستند، سنتی که بعد با ابداع خط پهلوی، به صورت مکتوب درآمد. بیشتر اندرزنامه‌های پهلوی به نثر هستند و به بزرگان و حکما نسبت داده شده‌اند. نمونه‌های منظوم اندرزنامه‌های پهلوی کم‌شمار است، اما از جهت این که محتوای آنها به حکمت و اخلاق همگان تعلق دارد، از جایگاه ویژه‌ای در میان ادبیات دوره میانه برخوردار هستند. مضامین آنها به دلیل بُعد انسانی و عامی که دارند، به زمان و مکان آن عصر محدود نشده و در قالب و

۱. تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام.

3. Tavadia, J. G. "A didactic poem in Zoroastrian Pahlavi". Indo-Iranian Studies I. Santinikitan, 1950. p.p.86. 95.

۳. تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، ص ۱۹۰.

۴. شاکد، «نمونه‌های شعر فارسی میانه»، ترجمه عباس آذرانداز، در مزدک نامه، ش ۵، تهران: اساطیر، ۱۳۹۱، ص ۴۷۹، ۴۶۷.

هیأتی دیگر در ادبیات پس از اسلام، در شعر شاعران و آثار نویسندگان تداوم یافته است.

۴- خودارزیابی

پرسش‌های پایان درس با عنوان خودارزیابی نیز چون با توجه به مطالب متن تهیه شده است، منطقی و درست طرح نشده‌اند. نخست، از دانش‌آموز خواسته شده است که «سیر گسترش و تکامل زبان فارسی» را شرح دهد. روشن است که منظور از این پرسش، سیر تحول تاریخی زبان فارسی از فارسی باستان به فارسی نو است. اگر تدوین‌کننده متن این تحول تاریخی زبان فارسی را همراه با گسترش آن دیده است، توضیحی درباره آن نداده است. «گسترش زبان فارسی» را شاید تنها با توضیحات مختصری که در باره زبان فارسی دری داده شده تا حدی بتوان توجیه کرد: «دری، نخستین صورت زبان ادبی فارسی نو در برابر نفوذ عناصر زبان عربی بود. فارسی دری، موجودیت خود را به سرسختی حفظ کرد و به تدریج، غنی گشت و زبان عمومی سراسر ایران شد. منطقه رواج فارسی دری، نخست در مشرق و شمال شرقی ایران بود.»^۱ درست است که فارسی دری نخست در مشرق و شمال شرقی ایران رایج بوده و پس از طاهریان، به تدریج به صورت زبان عمومی سراسر ایران درآمده است؛ اما آمدن واژه «گسترش» در کنار «تکامل» بدون این که ذکر شود تنها مرحله تاریخی زبان فارسی پس از اسلام مورد نظر است، گمراه کننده است. در واقع با توجه به مطالب درس، «گسترش» دو مفهوم گسترش مکانی و جغرافیایی زبان فارسی را در سه مرحله تاریخی خود از یک سو، و گسترش درونی در روند تحول این زبان را از سوی دیگر به ذهن می‌آورد. از نظر مکانی و جغرافیایی، زبان فارسی هم در دوره میانه و هم پس از اسلام، چنین تجربه‌ای را در فراتر رفتن از مرزهای فارسی‌زبانان به قلمروهای دیگر داشته است، اما در درس به آن اشاره نشده که روشن است منظور، این مفهوم نبوده است؛ به گسترش درون‌زبانی نیز، اساساً اگر تحولات تاریخی زبان فارسی را بتوان گسترش نامید، اشاره‌ای نشده است.

واژه «تکامل» نیز واژه‌ای نیست که از سوی زبان‌شناسان برای تغییرات در زمانی زبان‌ها مورد استفاده قرار گیرد. زبان‌ها تغییر می‌کنند، واژه‌هایی از میان می‌روند و واژه‌های دیگری جای آنها را می‌گیرد، برخی ساخت‌ها جایگزین ساخت دیگری می‌شوند؛ اما این تغییرات الزاماً در مسیر تکامل نیستند. احتمالاً مقصود از طرح چنین پرسشی، همان چیزی است که قبلاً بدان